

باراک اوباما

جسارت امید

ترجمہ ای ابو الحسن تھامی



ketabTala

جسارت امید

اوباما، باراک، ۱۹۶۱ - م.

Obama, Barack

جسارت امید / باراک اوباما؛ ترجمه‌ی ابوالحسن تهامی.
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۸، ۴۸۰ ص: ۲۱×۱۴ س.م.

ISBN: 978-964-351-535-5

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی:

The audacity of hope: thoughts on reclaiming the American dream, 2007

۱. اوباما، باراک، ۱۹۶۱ - م. Obama, Barack، ۲. ایالات متحده، کنگره، سنا - سرگذشتنامه.

۳. نمایندگان کنگره ایالات متحده - سرگذشتنامه. ۴. نمایندگان سیاهپوست کنگره ایالات متحده

- سرگذشتنامه. ۵. ویژگی‌های ملی آمریکایی. ۶. ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۲۰۰۱ م.

الف. تهامی، ابوالحسن، ۱۳۱۷ - ، مترجم.

۱۳۸۸ ج ۵ الف ۱/۱- E۹۰-۹۲ ۳۳۸/۷۳

شماره کتابشناسی ملی ۱۶۵۳۶۸۳

باراک اوباما

جسارت امید

ترجمہ

ابوالحسن تھامی



موسسہ انتشارات نگاہ

«تاسیس ۱۳۵۲»

باراک اوپاما
جسارت امید
ترجمہی ابوالحسن تھامی

چاپ دہم : آذر ۱۴۰۰ : حروف نگار: اکرم زنوبی
نمونہ خوان : مریم محمد حسینی - فرشته اکبر پور
چاپ: گیلان - شمارگان: ۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۱-۵۳۵-۵
قیمت: ۱۳۵۰۰۰ تومان



موسسہی انتشارات نگاہ


«تاسیس ۱۳۵۲»


حق چاپ محفوظ است.

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقہ ۵
تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷
فروشگاہ: خیابان کریمخان - بین ایرانشہر و ماہشہر - پلاک ۱۲۰
تماس: ۸۸۲۹۰۱۳۸-۸۸۲۹۰۱۹۵

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

 [instagram.com/negahpub](https://www.instagram.com/negahpub)

 [telegram.me/newsnegahpub](https://t.me/newsnegahpub)

فهرست

۷	پیش‌گفتار
۲۳	فصل یکم. جمهوری خواهان و دموکرات‌ها
۶۵	فصل دوم. ارزش‌ها
۱۰۱	فصل سوم. قانون اساسی ما
۱۴۳	فصل چهارم. سیاست
۱۸۹	فصل پنجم. فرصت
۲۶۹	فصل ششم. ایمان
۳۱۱	فصل هفتم. نژاد
۳۶۷	فصل هشتم. دنیای بیرون از مرزهای ما
۴۳۳	فصل نهم. خانواده
۴۶۹	پس‌گفتار

پیش‌گفتار

از زمانی که نخست بار برای احراز مقامی سیاسی اقدام کردم نزدیک به ده سال می‌گذرد. آن موقع سی و پنج ساله بودم. از به پایان رساندن دانشکده‌ی حقوق چهار سالی می‌گذشت، تازه ازدواج کرده بودم و روی هم رفته آدمی بی‌صبر و حوصله به حساب می‌آمدم. در مجلس قانون‌گذاری ایالت ایلینوی یک کرسی خالی شده بود، و چندی از دوستان پیشنهاد کردند که خود را کاندیدای احراز آن کنم. آنان فکر می‌کردند که کار من در جایگاه وکیل حقوق مدنی و ارتباط‌هایم از دورانی که سازمان‌دهندگی امور اجتماعی را بر عهده داشتم مرا به کاندیدایی تبدیل خواهد کرد که امید موفقیت‌اش بسیارست. بعد از آن که موضوع را با هم‌سر من در میان گذاشتم، وارد مسابقه‌ی انتخاباتی شدم و دست به کارهایی زدم که هر کاندیدای تازه وارد به آن دست می‌زند: شروع کردم به حرف زدن با هر کسی که به حرف‌هایم گوش می‌داد. به جلسه‌های باشگاه‌های محلی و گروه‌هایی‌های اجتماعی کلیساها رفتم، به آرایشگاه‌ها و سالن‌های زیبایی سری زدم. اگر در آن طرف خیابان دو جوان را می‌دیدم که در گوشه‌ی ایستاده‌اند، به سوی‌شان می‌رفتم و برگه‌های تبلیغی خود را در اختیارشان می‌گذاشتم. اما به هر جا که می‌رفتم مردم با جمله‌های متفاوت دو سؤال کلیشه‌ی از من می‌کردند:

«این اسم مسخره رو از کجا پیدا کردی؟»

و بعد می‌گفتند: «تو آدم خوبی به نظر می‌ای، چرا می‌خواهی وارد کار نحس و کثیفی مثل سیاست بشی؟»

من با این پرسش‌ها آشنا بودم، از جنس همان پرسش‌ها که سال‌ها پیش هم از من می‌شد: آن موقع که تازه به شیکاگو آمده بودم تا در محله‌های کم‌درآمد کار کنم. این پرسش‌ها نشانه‌هایی از بدبینی در خود داشتند، بدبینی نه تنها به سیاست که بدبینی به هر کار اجتماعی؛ این بدبینی را — دست‌کم در محله‌ی فقیرنشین‌ی که من می‌خواستم نماینده‌اش شوم — پیمان‌شکنی نسلی از سیاستمداران موجب شده بود. من در پاسخ به آن پرسش‌ها لبخندی می‌زدم به نشانه‌ی موافقت سری تکان می‌دادم و می‌گفتم که حق دارند شک کنند؛ اما در جهان سیاست مردان نیک هم بوده‌اند، و سنت‌های نیک سیاسی هم وجود داشته‌اند، که جنبش حقوق مدنی در شمار آنهاست. در جنبش حقوق مدنی بود که مردم آگاه شدند و دیعه‌یی در وجود یک‌دیگر به امانت دارند که نه تنها باعث پراکندگی آنان نمی‌شود، که آنان راه یک‌دیگر پیوند می‌دهد و نزدیک‌تر می‌کند. و اگر تعدادی کافی از مردم به این حقیقت ایمان داشته باشند و به آن عمل کنند، آنگاه نه تنها می‌توان دشواری‌های بسیاری را از پیش پا برداشت، که می‌توان کارستان‌ها به انجام رساند.

به نظر من این‌گونه پاسخ‌ها قانع‌کننده می‌رسید، و گرچه اطمینان ندارم که همه‌ی شنوندگانم صحت استدلال مرا قبول کرده باشند، بی‌شک شماری کافی از آنان تحت تأثیر صداقت و شور جوانی من قرار گرفته به من رأی داده بودند، و گرنه به مجلس قانون‌گذاری ایلینوی راه پیدا نمی‌کردم.

شش سال بعد که وارد مبارزه‌ی انتخاباتی برای ورود به سنای ایالات متحد شدم چندان از خود اطمینان نداشتم.



"... آنچه را من در این کتاب عرضه می‌کنم بسیار فروتنانه است. واکنش‌های شخصی من نسبت به ارزش‌ها و آرمان‌هایی که مرا به زندگی سیاسی کشاند، بررسی اجمالی گفتمان سیاسی جاری است که بسبب ما تفرقه می‌انگازد و بهترین آرمانی شخصی من در مورد تحریک روش سیاسی کنونی با انگیزه‌ی خیرخواهی عموم. این بررسی بر پایه‌ی تجربه‌های شخصی من است در جای‌گاه سناتور. حقوق‌دان، همسر، پدر، و شخص مسیحی و شکاک..."

"از پیش گفتار کتاب"



مؤسسه انجمن‌دانش‌نگار



www.ned.org

www.ned.org

www.ned.org

کتابخانه ملی